

چند روایت از جایزه معماری آسیا

فضاهای نو، فضاهای گمشده

شرق: مجله‌ Architecture and Art) Magazine A2 امسال اولین دوره جایزه معماری آسیا را به همکاری دانشگاه‌ها، مؤسسات فرهنگی و حرفه‌ای آسیایی و با هدف بازشناسی و معرفی دستاوردهای قاره آسیا در حوزه نظری و عملی و شهرسازی برگزار کرد. قرار است این رویداد سالانه باشد و امسال اولین برنامه خود را در کشور ترکیه اجرا کرد. سال آینده نیز قرار است جایزه معماری آسیا در یکی از کشورهای آسیای شرقی برگزار شود.

نخستین جایزه معماری آسیا در تاریخ ۲۴ مهر (۱۶ اکتبر)، در دانشکده معماری دانشگاه ITU در استانبول با حضور شرکت‌کننده‌هایی از کشورهای مختلف آسیایی برگزار شد و داورانی چون رومی خوسلا از هند، سونگ سانگ از کره جنوبی، بهرام شیردل از ایران، یاووز سلیم سپین و سینان مرت از ترکیه و احمد زهادی برگزارکننده و صاحب مجله بین‌المللی A2، در هفت شاخه ساختمانی -مسکونی، تجاری، عمومی، بازسازی، شهری، معماری داخلی و پروژه‌های آینده، جوایزی را به معماران آسیایی اهدا کردند.

اکنون که اسامی برندگان نخستین جایزه معماری آسیا اعلام شده است، نگاهی می‌اندازیم به اهمیت این جایزه و چشم‌اندازی که می‌توان برای کشور ایران، به عنوان یکی از کشورهای آسیایی، متصور بود. احمد زهادی، برگزارکننده جایزه معماری آسیا، درباره اهمیت این جایزه می‌گوید: معماری آسیا در طول تاریخ به چندگونگی تمایل داشته است. تمدن‌های موجود در این قاره از ایران گرفته تا چین و از هند تا عثمانی، به ایجاد یک نقشه معماری متفاوت، غنی و متنوع کمک کرده‌اند که حاصل آن به‌وجودآمدن فضاهای شهری بی‌مثال و بدیعی مانند استانبول، اصفهان، سمرقند، کلکته، پکی و توکیو بوده و اینها همگی عمیقاً معماری قاره‌های آمریکا، آفریقا و اروپا را متأثر کرده‌اند و این تأثیر آن‌چنان محسوس است که نمی‌توان دینی را که معماری قاره‌های دیگر به معماری آسیا دارند، نادیده گرفت؛ ازهمین‌رو این نقش تأثیرگذار معماری و فرهنگ شرق در غرب، شایستگی بررسی ویژه علمی را خواهد داشت. از طرفی مدرنیته در دو قرن گذشته (همان‌طوره که در تحركات معماری در غرب نیز مشهود است)، در مشرق‌زمین نیز مؤثر بوده و تغییرات فاحشی ایجاد کرده که در به‌وجودآوردن چهره شهرها مشهود است؛ البته با نتایجی که عموماً رضایت‌بخش نبوده است. با وجود این، با وضعیت، رویه و گرایش امروزی می‌توان چنین استنباط کرد که فرهنگ (وابسته به) معماری اخیراً شروع به حرکت در مسیر فاصله‌گرفتن از مدرنیسم کرده است و برای فاصله‌گرفتن از مدرنیته و بازگشت به ارزش‌های پیشینان می‌کوشد. همچنین معماری معاصر آسیایی (از سه دهه اخیر) شروع به ارائه پیشنهادات و راهکارهایی بر مبنای شرایط و احتیاجات جغرافیایی و فرهنگی خود کرده است. جایزه معماری آسیا بر آن است به منظور تحقق سازگاری اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی و در نهایت ایجاد معماری منطبق با نیازها و شرایط امروزی کشورهای آسیا با هدف پیروی از مدرنیته و حفظ ارزش‌های بنیادین تاریخی، رسالت خود را به انجام رساند. وی همچنین ادامه می‌دهد: در راستای لیل به اهداف تعریف‌شده دو مجله تخصصی معماری و ساختمان و A2، با افتخار جایزه معماری آسیا در سال ۲۰۱۵ در کشور ترکیه و در شهر استانبول به میزبانی دانشگاه ITU برگزار شد و در همین نخستین سال، از نظر علمی و حرفه‌ای سطحی بسیار بالا دارد و با حضور پرشور معمارانی از گوشه‌وکنار جهان و بازتاب‌های داخلی و بین‌المللی، همراه و ارزنده بوده است.

یکی از مهم‌ترین اهداف بلندمدت اینن جایزه، ایجاد مرجعی علمی- تخصصی برای معماری و دست‌اندرکاران آن در حوزه داخلی و بین‌المللی است که حاصل آن پیشبرد نقش ارزنده این شاخه تخصصی در تعیین چارچوب‌های فرهنگی، اجتماعی و مردمی خواهد بود.

جایزه معماری آسیا، روندی در توسعه فرهنگی و معماری کشورهای قاره آسیاست که در آن معماران با تأکید بر ریشه و اصالت کشورهای این قاره، تصویر و جهت مسیر معماری امروز را رقم می‌زنند.

در کنار مراسم جایزه معماری آسیا، سمیناری به منظور آشنایی بیشتر با اهداف برنامه و همچنین بررسی وضعیت معماری مدرن، در آسیا برگزار شد و در آن داوران این جایزه به بحث و سخنرانی پرداختند.

رومی خسلا، یکی از داوران جایزه معماری آسیا در کنفرانس بین‌المللی A2 در دانشگاه ITU استانبول، چند ویژگی شاخص معماری معاصر آسیا را می‌سناید؛ از جمله تداوم دوران پیش از مدرنیسم، در عین داشتن هویتی دورگه و گنجاندن آگاهانه آن در فضایی فلسفی که با کنش‌های مقدس متقابل اشیا و موجودات درهم‌تنیده و ادغام شده است. او نتیجه می‌گیرد آسیا خوش شانس بوده که هرچند به ز رحمت، اما نواخته‌ست این ارزش‌های اجتماعی را، که زمانی عالم‌گیر بودند، ولی با تحمیل مدرنیسم به ارزش‌های منسوخ تمدن یهودی- مسیحی از بین رفتند، حفظ کند. قرن بیستم، آزادی و مدرنیسم به همراه آورد؛ اما هولوکاست که میلیون‌ها زندگی را از بین برد، بنیادهای اخلاقی آن تمدن را ویران کرد. حالا در شروع این هزاره، شاید میراث آسیا، مسئولیت بزرگ توصیف یک آرمان‌شهر جدید باشد. رومی، حضور برخی از این عوامل را در معماری معاصر آسیا جست‌وجو می‌کند.

اسمره ارولات، درباره گرایش معمارانه رایج در معماری ترکیه به ایراد سخنرانی پرداخت. ارولات مدیر استودیویی است که هدفش تمرکز بر «موقعیت» و گسترش آن از طریق قابلیت‌های ذاتی است. او دیدگاه خود درباره چگونگی تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، کالبدی و محیطی کشورش را بر گرایش‌های معمارانه در طول زمان تجزیه و تحلیل می‌کند.

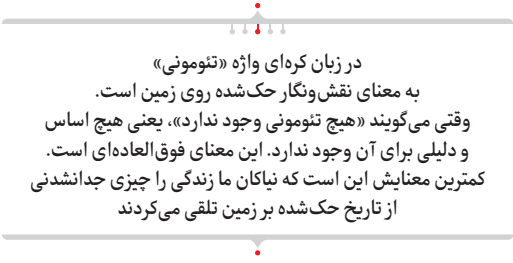
بهرام شیردل تنها داور ایرانی جایزه معماری آسیا نیز به موضوع کلان‌شهر در قرن بیستم و قرن بیست‌ویکم پرداخت و اشاره کرد: من مکانی را درک می‌کنم که ساختارهای فضایی متفاوت آن، با‌نمودی از حضور چندگان‌ه ما در این دنیا باشد. ایجاد فضای جغرافیایی نامهمکن، در واقع فضایی متقارن برای تمدن‌ها خلق می‌کند که درآن ایدئولوژی از ماده جدا می‌شود. معماری شهری در قاره آسیا با الهام از چهار تمدن معتبر شکل گرفته است؛ چین، هند، ایران، و بعدها ژاپن. پیشرفت و نوگرایی که رهاورد معماری مدرنیستی بود، به بافت شهرهای آسیا تحمیل شد و شهروندان آسیایی را با فضایی بیگانه و متفاوت با ساختار فکری و فیزیکی‌شان روبه‌رو کرد. در این دوران، هزاره سوم (در آسیا باستان‌ای‌تر) و قرن بیست‌ویکم، شاهد پدیده ظهور معماران، از بیروت گرفته تا سایگون، هستیم که باجدیت سعی دارند با ایجاد فضاهای نو، فضای گمشده تمدن کهن را دوباره زنده کنند.

سنوونگ ان، سازک از کره گفت: در سال ۲۰۰۰ که نمایشگاه جهانی معماری دوسالانه ویز، موضوع خود را «زیبایی‌شناسی کمتر، اصول اخلاقی بیشتر» اعلام کرد، من کمی غافلگیر شدم، مدت‌ها بود واژه «اصول اخلاقی» را در معماری غرب از یاد برده بودم. اصول اخلاقی از ارتباط میان خود و دیگران پدیدار می‌شود. معماری غربی، زیر سلطه روش‌های قائم‌به‌ذات، با اصول اخلاقی کاملاً غریبه شده است؛ اما برای نیاکان ما اصول اخلاقی یک ضرورت بود. نخستین اصل معماری برای آنها رعایت اصول اخلاقی بین زمین و ساختمان، بین ساختمان و ساختمان، و بین انسان و انسان بود؛ بنابراین معماری ما با طبیعت، با محیط پیرامون، و با انسان هماهنگی کامل داشت. منطری خلق می‌کرد که در آن همه چیز هماهنگ می‌شد. در آغاز این عصر جدید، معماری غربی که همیشه ادعای تسلط بر هماهنگی را داشت، به جست‌وجوی الکوی جدیدی برآمد. در زبان کره‌ای واژه «تومونی» به معنای نقش‌ونگار حک شده روی زمین است. وقتی می‌گویند «هیچ تومونی ندارم»، یعنی هیچ اساس و دلیلی برای آن وجود ندارد. این معنای فوق‌العاده‌ای است. کمترین

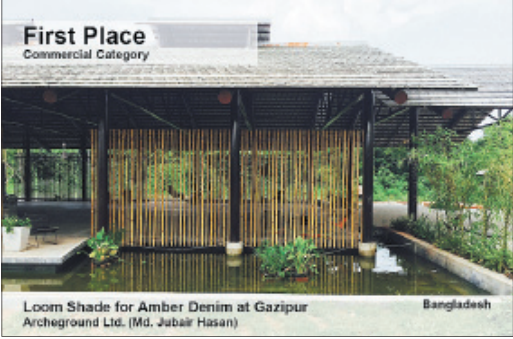
معنایش این است که نیاکان ما زندگی را چیزی جدانشدنی از تاریخ حک شده بر زمین تلقی می‌کردند.

برگزاری نخستین جایزه معماری آسیا می‌تواند نشانگر اهمیت معماری مدرن در این بخش از دنیا باشد؛ ضرورتی که معماران معاصر را وامی‌دارد با توجه به پیشینه تاریخی و معماری سنتی کشورهای آسیایی، نگاه تازه‌ای به معماری این بخش از جهان، با همه مسائل و رخدادهای گونه‌گونش، اندازند و مسائل اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی خود را جدای از آنچه در این سال‌ها معماری غرب به آن تحمیل کرده است، در طراحی‌های‌شان لحاظ کنند.

جایزه معماری آسیایی A2 در نخستین سال برگزاری خود با استقبال در خور توجهی روبه‌رو شد. در این رقابت دوم‌رحله‌ای، در مرحله نخست و در مهلت یک‌ماه‌ونیمه ارسال پروژه، بیش از ۶۰۰ پروژه از ۱۹ کشور آسیایی (افغانستان، اندونزی، آذربایجان، ایران، بنگلادش، تایوان، تایلند، ترکیه، چین، ژاپن، سریلانکا، سنگاپور، عربستان سعودی، قطر، کره جنوبی، لبنان، نیال، ویتنام و هند) و از معمارانی از سراسر جهان (شامل کشورهای آسیایی یادشده و نیز پنج کشور غیرآسیایی انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، آلمان و کانادا) در هفت شاخه مسکونی (شامل ویلا، مجتمع‌های مسکونی)، اداری-تجاری (شامل مجتمع‌های اداری، تجاری، فروشگاه‌ها، کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولید)، عمومی (شامل ورزشی-تفریحی، آموزشی، گردشگری، مذهبی، فرهنگی، حمل‌ونقل، مدنی)، پروژه‌های شهرسازی/روستایی/ مشارکت مردمی/ منظر و فضاهای عمومی شهری، پروژه‌های مرمت/ احیا/ نوسازی/ بازسازی (تاریخی و جدید)، معماری داخلی و طرح‌های ساخته‌نشده / پروژه‌های آینده، شرکت کردند. از این تعداد، نزدیک ۴۰۰



پروژه با مقررات و شرایط تعریف‌شده با شرایط جایزه هم‌خوانی داشتند و برای رقابت در دور نخست پذیرفته شدند. در مردادماه ۱۳۹۴، پروژه‌های شرکت‌داده‌شده در هفت شاخه تعریف‌شده برای جایزه، از سوی هیأت داورى -رومی خسلا از هند، سونگ اج سانگ از کره جنوبی، بهرام شیردل از ایران، یاووز سلیم‌سپین و سینان مرت از ترکیه- بررسی و بر اساس خط مشی اصلی و نیز معیارهای تعریف‌شده برای جایزه، ارزیابی شدند. معیارهای ارزیابی پروژه‌ها عبارت بودند از: دستاوردهای طراحی، مطالعات و تحلیل برخاسته از بستر و محیط، دستاوردهای فنی، کاربست خلاقانه مواد و مصالح، پایداری محیطی/ بازنمایی حس مکان و بوم، بازنمایی هویت فرهنگی-اجتماعی، مسئولیت اجتماعی / مشارکت و ارتباط مردمی-اجتماعی- شهری، اثرگذاری و بازنمایی شرایط و مشخصات اقتصادی. در دور نخست، ۱۴۵ پروژه درهفت شاخه جایزه، با موفقیت حد نصاب امتیاز تعریف‌شده را کسب کردند و برای شرکت در مرحله دوم مسابقه و نیز شرکت در نمایشگاه پروژه‌های برگزیده، دعوت شدند. داوری مرحله دوم مسابقه در تاریخ دوازدهم اکتبر ۲۰۱۵ (۲۰ مهرماه ۱۳۹۴) در دانشکده معماری ITU صورت گرفت و بر اساس رای و دفاع داوران، مراتب اول تا سوم هریک از شاخه‌های هفت‌گانه تعیین شدند.



معماری



داوران نخستین جایزه معماری آسیا

معماری سرزمینی ذهنِ سرزمینی می‌سازد

بهرام شیردل: ۳۰ میلیون‌سال پیش، صفحه هندوستان و صفحه عربستان باهم برخورد کردند؛ حاصل این برخورد جغرافیای پُرجینی است که فلات ایران نام دارد. این جغرافیا به درازای ۳۰میلیون‌سال، زلزله‌خیز، ناپایدار و بی‌ثبات است. به بلندی این ۳۰ میلیون‌سال، با دست‌کم در طول این چندهزارسال گذشته، مردمان این جغرافیا (سرزمین) با ذهن‌هایشان در تقابل با این ناپایداری، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها ساخته‌اند؛ فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی به‌منابه ثبات و پایداری. تجربه تاریخی فلات ایران، یکی از چهار تمدن وسیع آسیایی است؛ در کنار چین، هند و ژاپن. معماری این‌تمدن‌ها از ایده‌آل‌های ذهنِ و مرام شکل می‌گیرد، از زندگی شکل می‌گیرد. کانون‌های فرهنگ ساخته می‌شود، تمدن جغرافیایی آسیا بنیان نهاده می‌شود. معماری هنری است که میانی آن در تاریخ شکل می‌گیرد. معماران هنرمندانی هستند محافظه‌کار، محافظه‌کارنه به معنای رایج آن، بل به معنای حافظان تمدن. حافظان فرهنگ‌ها. حافظان فضای ساختاری و ذهن‌ها. فرهنگ معماری در هزاره سوم و در قرن بیست‌ویکم بررسی می‌کند که جهان باورش را به پیشرفت و توسعه از دست داده است. باید توجه داشت، این باور مبتنی‌بر این اصل مهم است که ۲۰ درصد از مردمان این جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند اما سهم آنها از اقتصاد جهانی تنها چهاردرصد است. معماران آسیا به‌دنبال توسعه دنیای مدرن رویکرد و نگاهشان معطوف است به احیای تمدن‌های این جغرافیای پُرجین. معمارانی هستند از بیروت تا استوکل که کار می‌کنند تا بتوانند یسایبند در جهت نیازهای مردمان این‌تمدن‌ها و جوامع آنها.

بنیان جایزه معماری آسیا، در تهران و در بحث و گفت‌وگو با آقای احمد زهادی صورت پذیرفت. برگزاری جایزه معماری آسیا توسط آقای زهادی (A2) در استانبول سه دستاورد مهم داشت: یکی مبتنی است بر گفت‌ای در دایره‌وش شایگان؛ «چگونه می‌توانیم فضاهای گمشده را در معماری جدیدمان بازایبیم». دوم، اساساً نظام و حرفه معماری در آسیا در این راستا پیش می‌رود و گام برمی‌دارد؟ سوم: معماران ایرانی در تعامل با معماران دیگر این سه تمدن آسیایی، جهانی شوند. معماری در جغرافیای اقلیمی و فرهنگ معماری سرزمینی، آغاز بحث زوری اولین جایزه معماری آسیا بود.

این نگاه پروژه‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱- پروژه‌هایی که مبتنی‌بر جغرافیای سرزمینی بودند و تلاش برای احیای سرزمیندهی فضایی بر اساس انگاره فرهنگ معماری آن سرزمین باشند. ۲- پروژه‌هایی که مبتنی‌بر برداشت‌های خاصی از جزئیات معماری غرب بودند و سازماندهی فضایی از معماری غرب را به ساختار فضایی شهرهای آسیا تحمیل کرده بودند.

معماری نه بازتولید است نه اختراع فرم‌های جدید، معماری تسخیر نیروهاست در گستره جغرافیای سرزمینی. معماری باید مشکلات اجتماعی، شهرنشینی و شهروندی را حل‌وفصل کند و گام بردارد در جهت بهترکردن زندگی مردم. سازماندهی فضایی مناسب، مرام، مذهب و فرهنگ مردم را متأثر از خود می‌کند. پروژه‌های متحد معماری و شهرسازی که بر اساس الگوهای مدرنیستی معماری غرب، در آسیا احداث شده‌اند نقتها پاسخی برای زیست محیط در مشرق‌زمین نبوده‌اند، بل نتایج فاجعه‌باری به بار و به رمغان آورده‌اند. جایزه معماری آسیا در استانبول می‌کوشد پیشینان کند از معمارانی که در آسیا کار می‌کنند برای مختلف یرزش داشته است. بالاخره این هم یکی از تنگناهای جدی این دفاتر است که منشا اصلی آن به برخی از عملکردهای نادرست دستگاه‌های کارفرمایی و از سوی دیگر، نیاز این دفاتر به کار و فعالیت به‌منظور تداوم حیات حرفه‌ای، بازمی‌گردد.

ستون سوم

تنگناهای مهندسان مشاور-۲

در یادداشت پیشین، تمرکز اصلی یادداشت بر تنگناهای مالی دفاتر مهندسی مشاور به‌عنوان آن دسته از مشکلاتی بود که عملکرد نیروی انسانی را - به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه این دفاتر- تحت‌الشعاع قرار می‌داد؛ در آن یادداشت به اجمال به موضوع اشاراتی شد، اگرچه می‌توان با مستندات قانونی به مشکلات جدی‌تری در حوزه مسائل مالیاتی مربوط به مهندسین مشاور نیز اشاره کرد که این دسته از مشکلات را جدی‌تر کرده است. در این یادداشت، تمرکز من عمدتاً بر نحوه مواجهه دستگاه کارفرمایی با این دفاتر است و تلقی غلطی که در سال‌های اخیر، متأسفانه به باوری رایج تبدیل شده است.

چنان‌که گفته شد، دفاتر مهندسی مشاور عمدتاً بنا بر رسالت خود در حوزه انجام مطالعات فنی، تهیه طرح و نظارت بر اجرای طرح‌ها فعالیت می‌کنند. به‌عبارتی، این دفاتر با پشتوانه نیروی کار متخصص در حوزه‌های مختلف به فعالیت می‌پردازند و سرمایه اصلی این دفاتر، نیروی انسانی و دانش تخصصی آنهاست. با این پیش‌فرض، می‌توان تصور کرد که تشخیص فنی مهندسان مشاور در زمینه‌های مختلف، ممکن است با خواسته‌ها و نظرات کارفرمایان در مواردی دارای اختلاف و زاویه باشد. در این موارد، طبیعی است که انتظار داشته باشیم دستگاه‌هایی که نسبت به مهندسین مشاور در جایگاه کارفرما قرار می‌گیرند، به‌واسطه خرید خدمات فنی از این دفاتر، از تشخیص فنی دفاتر مهندسین مشاور تبعیت کنند و آن را ملاک عمل بدانند. از سوی دیگر، در مقام تئوری انتظار می‌رود کارشناسان مهندسین مشاور تشخیص فنی خود را در حوزه مطالعات و تهیه طرح، مبنای عمل قرار دهند و در چار چوب این تشخیص فنی، مسائل را بررسی و تجزیه و تحلیل کنند و از همه مهم‌تر، در شرایطی که تشخیص فنی خود را صحیح و قابل‌دفاع می‌دانند، بر آن پافشاری کنند. در مقام عمل، متأسفانه در موارد بسیاری، شرایط به‌گونه دیگری رقم می‌خورد و در حقیقت، عمدتاً کارفرمایان هستند که خواسته‌های غیرکارشناسی و غیرفنی خود را به مهندسین مشاور تحمیل می‌کنند. اگر بخواهیم صریح‌تر صحبت کنیم، باید بگوییم در سال‌های اخیر دفاتر مهندسی مشاور در حدی تضعیف شده‌اند که عمدتاً قاطعیت و تأثیرگذاری لازم را در جهت دفاع از آنچه کارشناسی و فنی می‌دانند و ردکردن و نپذیرفتن آن دسته از اقدامات غیرکارشناسی که از سوی کارفرمایان به آنان تحمیل می‌شود، ندارند.

واقعیت این است که در بررسی عملکرد و کارایی عمومی دفاتر مهندسی مشاور، آسیب مذکور آسیبی جدی است. به‌عنوان‌مثال، می‌توانیم دو شیوه مواجهه با مسائل مهندسی در حوزه شهرسازی و معماری را متصور شویم. شیوه نخست، شیوه‌ای است که



مهندس مشاور به‌واسطه تعهدات حرفه‌ای و اخلاقی خود، در برابر آن دسته از خواسته‌های دستگاه‌های کارفرمایی (اعم از بخش دولتی، بخش عمومی و بخش خصوصی) که به هر علتی در تقابل با خیر عمومی است، ایستادگی می‌کند و بر مثنی و اقدام درست، براساس تشخیص خود پافشاری کرده و در جهت اقتاع کارفرما تلاش می‌کند. حتی ممکن است تلاش کند به شکل دیگری که در تقابل با خیر و صلاح عمومی و اجتماعی نیست، به مطالبات کارفرما پاسخ بگوید. چنین کارکردی، همان است که بنا به فلسفه شکل‌گیری و حضور مهندسی مشاور، از او انتظار می‌رود. شیوه دیگر، هر خواسته غیرکارشناسی و غیرفنی کارفرما را اجابت‌کردن است و به هر خواسته‌ش در تقابل با خیر و صلاح عمومی اجتماع تان‌دادن. متأسفانه شاهد هستیم تعداد قابل‌توجهی از دفاتر مهندسی مشاور، بیشتر به سمت شیوه دوم متمایل شده‌اند، اگرچه کم نیستند دفاتری که همچنان با تعهد حرفه‌ای و اخلاقی، در جهت خیر و صلاح عمومی و البته کارفرما حرکت می‌کنند.

یک سوزن به کارفرما

خطای در تحلیل است اگر عملکرد کارفرمایان در برابر مهندسین مشاور را یک‌کاسه با و یکی، دو آیتم محدود تحلیل کنیم. من هم چنین قصدی ندارم. اما نکته‌ای هست که نباید ناگفته بماند. در سال‌های اخیر، دستگاه‌های بخش دولتی و بخش عمومی، به‌واسطه عملکردشان در مواجهه با دفاتر مهندسی مشاور، تا حد ممکن این دفاتر را تضعیف کرده‌اند. اگر پای دردلد مهندسین مشاور بنشینیم، خواهیم دید که عمدتاً بعد از نارضایتی از وضعیت پرداخت حق‌الزحمه‌ها و مسائل مالی، نارضایتی اصلی آنها به اعلام نظرات دستوری و غیرکارشناسی کارفرمایان مربوط می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دفاتر مهندسی مشاور در عوض اینکه در جایگاه تیم فنی- تخصصی انجام مطالعات و تهیه طرح قرار بگیرند، حکم نقشه‌کش و میرزابنویس را برای کارفرما ایفا می‌کنند. این آسیب، اتفاقاً مربوط به دوره‌هایی است که اقدامات سلیقه‌ای مدیران و مسئولان، جایگزین مطالعات و اقدامات کارشناسی شده است و برخی از مدیران ترجیح داده‌اند به‌جای تکیه بر توان کارشناسی نیروهای متخصص و استفاده هوشمندانه و خردمندانه از دانش فنی، به‌صورت دستوری اسمر را مدیریت کنند. در این شرایط متأسفانه بسیاری از دفاتر مهندسی مشاور برای اینکه بتوانند به حیات حرفه‌ای خود ادامه دهند، به این شیوه کار تن داده‌اند. بی‌جهت نیست که بعضاً آمارهایی منتشر می‌شود که نشان می‌دهد در چندسال اخیر بسیاری از دفاتر مهندسی مشاور نتوانسته‌اند به حیات خود ادامه دهند یا بدنه تخصصی بسیاری از آنان، به دلایل مختلف یرزش داشته است. بالاخره این هم یکی از تنگناهای جدی این دفاتر است که منشا اصلی آن به برخی از عملکردهای نادرست دستگاه‌های کارفرمایی و از سوی دیگر، نیاز این دفاتر به کار و فعالیت به‌منظور تداوم حیات حرفه‌ای، بازمی‌گردد.